

گذری بر سختی‌های عملیات والفجر مقدماتی در گفت‌وگوی «جوان» با یکی از رزمندگان حاضر در عملیات

تجربه‌های والفجر مقدماتی راهگشای ادامه جنگ شد



■ احمد محمدتبریزی

عملیات والفجر مقدماتی جزو عملیات‌های پربحث دفاع مقدس به‌شمار می‌رود. سال ۱۳۶۱ که با عملیات‌های بزرگ و موفقیت‌آمیز فتح‌المبین و بیت‌المقدس شروع شده بود، با عدم‌افتح در والفجر مقدماتی به پایان رسید. منطقه‌رملی، غرب از تقاطعات میشداغ و حدفاصل فکه تا جزایه، از سوی نیروهای ایرانی برای انجام عملیات والفجر انتخاب شد. دشمن یعنی با همکاری مستشاران خارجی موانع محکم و مچپزی را مقابل رزمندگان قرار داده بود تا مانع اجرای عملیات شود. والفجر مقدماتی عملیات سخت و سنگینی برای رزمندگان بود و آنها که در عملیات حضور داشتند سختی‌های این عملیات را تأیید می‌کنند. جانناز مر نضی بختیاری در این عملیات در لشکر ۸ نجف به فرماندهی شهید احمد کاظمی حضور داشت و به همراه نیروهای لشکر توانستند سختی‌های این عملیات را چندین کیلومتر در خاک دشمن پیشروی کنند. بختیاری در گفت‌وگو با «جوان» از روند عملیات والفجر مقدماتی و نحوه عملکرد نیروها می‌گوید که در ادامه می‌خوانید.

■ ■ ■
سال ۱۳۶۱ سال مهم و عجیبی در تاریخ دفاع مقدس است. چند عملیات مهم در اوایل سال داریم و در ادامه به والفجر مقدماتی می‌رسیم؟ شرایط جبهه‌ها و روحیه رزمندگان در سال ۱۳۶۱ با توجه به انجام این عملیات‌ها چگونه بود؟

عملیات والفجر مقدماتی در تاریخ ۱۳۶۱/۱/۱۷ شروع شد و تا شب ۲۱ بهمن ادامه داشت. در طرح‌ریزی عملیات، مقرر شد قرارگاه خاتم الانبیا(ص) با نیروهای قرارگاه کرپلا و قرارگاه نجف اشرف به سوی العماره تک کند. در مرحله اول، یگان‌های قرارگاه نجف اشرف باید در محور طابوسیه تا جزایه، حدفاصل خط تا کانال‌های آخر ان تصرف و در مرحله دوم در ادامه تک جناح راست تا حوضخانه جنوبی رزمی قرار گاه جاده أسفالت فکه و در غرب جاده اتوبان و سرپل قالیانه را تصرف می‌کردند. نیروهای قرارگاه کرپلان نیز باید با استفاده از معابر وصولی، جا جای تصرف شده به وسیله نیروهای رزمی قرار گاه نجف تا جزایه و بدافند پشت کانال را به انجام می‌رساندند. من در لشکر ۸ نجف به فرماندهی سردار شهید احمد کاظمی در عملیات حاضر شدم. قبل از زمان تبلیغات زیادی جهت حضور در جبهه بود و با موفقیتی که در این عملیات داشتیم و رزمندگان موفق شدند دشمن را بگیرند، آن روحیه از دست رفته در عملیات رمضان دوباره برگشت. آن زمان تبلیغات زیادی جهت حضور در جبهه صورت می‌گرفت و یکی از بیشترین دفاعاتی بود که نیروی زیادی به جبهه اعزام شد. سال بعد هم برای عملیات خیبر نیروی زیادی به جبهه آمد ولی سال ۱۳۶۱ نیز سه سپاه در منطقه عملیات داشتند که شامل سپاه ۱۱، سپاه سوم و سپاه هفتم حدید به فرماندهی شهیدان همت، کاظمی و حسین خرازی در منطقه بود. شهیدان حسین باقری و مجید بقایی در همین عملیات حاضر شدند. قبل از عملیات بمباران صورت گرفت و این عزیزان به شهادت رسیدند.

■ ■ ■
پس می‌توان گفت رزمندگان آماده انجام عملیات بودند. به رزمندگان کاملاً آماده انجام عملیات بودند. تبلیغات خوبی صورت گرفته بود و چند ماه در منطقه آموزش‌های لازم را دیدیم و همه آماده انجام عملیات بودیم. البته چون نیروهای

زیادی در منطقه بودند عملیات تا حدودی هم لو رفته بود و به خاطر همین موضوع عملیات در رسیدن به نتایج نهایی ناموفق بود. دشمن امکانات بسیار سنگینی مقابلمان پیش‌بینی کرده بود. دو کانال بسیار بزرگ زده و بین کانال‌ها در فاصله ۲۰۰ متر مین کار گذاشته بودند. مشخص بود طراحی این موانع را مستشاران خارجی انجام داده بودند و از تن بعث با تمام قوا می‌خواستند جلوی رزمندگان بایستد تا آنها در انجام عملیات موفق نشوند. بعضی لشکرها در کمین‌ها ماندند و نتوانستند به نزدیکی کانال‌ها برسند. فقط سپاه هفتم لشکر ۸ نجف بود که توانست در کل منطقه خط را بشکند و وارد عراق شود. فقط خط همین محور شکسته شد و از این محور به خاک دشمن نفوذ کردیم.

■ ■ ■
دشمن می‌آیند و از بالای سرمان عبور می‌کنند. حتی قبل از عملیات هواپیماهای دشمن گردان ما را بمباران کردند. این هواپیماها خیلی راحت در منطقه رفت و آمد می‌کردند. حتی ما برای دیده نشدن به کوه‌ها پناه می‌بردیم ولی آنها هم می‌آمدند و ما را بمباران می‌کردند. بالاخره یک کسی حتماً جایی آمار ما را به دشمن می‌داد.

■ ■ ■
دشمن شروع شد؟ از یک ماه قبل از عملیات بمباران هواپیماهای دشمن شروع شد. همین که می‌آمد و شروع به بمباران می‌کرد مشخص بود که دشمن از انجام عملیات توسط ما خبر دارد.

■ ■ ■
شهید حسن باقری در همین بمباران‌ها شهید شدند؟

دشمن با بمباران هوایی و توپخانه‌ای نیروهای که برای شناسایی می‌رفتند را می‌زد. شهید باقری در فاصله کوتاهی نزدیک به عملیات شهید شد. بعد از شهادت ایشان دیگر عملیات شد و همین اتفاق تلخ در بدو شروع عملیات تأثیر خوبی روی چهره سرشناس شهید می‌شدند. دشمن گاهی بمباران هواپیما می‌کوبید و همین کار را برآیمان سخت می‌کرد. در والفجر ۴ هم منطقه را توپ می‌زد که منجر به شهادت تعدادی از فرماندهان شد. در همه عملیات‌ها چنین اتفاقاتی را داشتیم و فرماندهان عالی‌رتبه‌مان در عملیات‌ها به شهادت می‌رسیدند. مثلاً شهید همت در خیبر یا شهید

■ ■ ■
دشمن می‌آیند و از بالای سرمان عبور می‌کنند. حتی قبل از عملیات هواپیماهای دشمن گردان ما را بمباران کردند. این هواپیماها خیلی راحت در منطقه رفت و آمد می‌کردند. حتی ما برای دیده نشدن به کوه‌ها پناه می‌بردیم ولی آنها هم می‌آمدند و ما را بمباران می‌کردند. بالاخره یک کسی حتماً جایی آمار ما را به دشمن می‌داد.

■ ■ ■
دشمن شروع شد؟ از یک ماه قبل از عملیات بمباران هواپیماهای دشمن شروع شد. همین که می‌آمد و شروع به بمباران می‌کرد مشخص بود که دشمن از انجام عملیات توسط ما خبر دارد.

■ ■ ■
شهید حسن باقری در همین بمباران‌ها شهید شدند؟

دشمن با بمباران هوایی و توپخانه‌ای نیروهای که برای شناسایی می‌رفتند را می‌زد. شهید باقری در فاصله کوتاهی نزدیک به عملیات شهید شد. بعد از شهادت ایشان دیگر عملیات شد و همین اتفاق تلخ در بدو شروع عملیات تأثیر خوبی روی چهره سرشناس شهید می‌شدند. دشمن گاهی بمباران هواپیما می‌کوبید و همین کار را برآیمان سخت می‌کرد. در والفجر ۴ هم منطقه را توپ می‌زد که منجر به شهادت تعدادی از فرماندهان شد. در همه عملیات‌ها چنین اتفاقاتی را داشتیم و فرماندهان عالی‌رتبه‌مان در عملیات‌ها به شهادت می‌رسیدند. مثلاً شهید همت در خیبر یا شهید

■ ■ ■
دشمن می‌آیند و از بالای سرمان عبور می‌کنند. حتی قبل از عملیات هواپیماهای دشمن گردان ما را بمباران کردند. این هواپیماها خیلی راحت در منطقه رفت و آمد می‌کردند. حتی ما برای دیده نشدن به کوه‌ها پناه می‌بردیم ولی آنها هم می‌آمدند و ما را بمباران می‌کردند. بالاخره یک کسی حتماً جایی آمار ما را به دشمن می‌داد.

■ ■ ■
دشمن شروع شد؟ از یک ماه قبل از عملیات بمباران هواپیماهای دشمن شروع شد. همین که می‌آمد و شروع به بمباران می‌کرد مشخص بود که دشمن از انجام عملیات توسط ما خبر دارد.

■ ■ ■
شهید حسن باقری در همین بمباران‌ها شهید شدند؟

دشمن با بمباران هوایی و توپخانه‌ای نیروهای که برای شناسایی می‌رفتند را می‌زد. شهید باقری در فاصله کوتاهی نزدیک به عملیات شهید شد. بعد از شهادت ایشان دیگر عملیات شد و همین اتفاق تلخ در بدو شروع عملیات تأثیر خوبی روی چهره سرشناس شهید می‌شدند. دشمن گاهی بمباران هواپیما می‌کوبید و همین کار را برآیمان سخت می‌کرد. در والفجر ۴ هم منطقه را توپ می‌زد که منجر به شهادت تعدادی از فرماندهان شد. در همه عملیات‌ها چنین اتفاقاتی را داشتیم و فرماندهان عالی‌رتبه‌مان در عملیات‌ها به شهادت می‌رسیدند. مثلاً شهید همت در خیبر یا شهید

■ ■ ■
دشمن می‌آیند و از بالای سرمان عبور می‌کنند. حتی قبل از عملیات هواپیماهای دشمن گردان ما را بمباران کردند. این هواپیماها خیلی راحت در منطقه رفت و آمد می‌کردند. حتی ما برای دیده نشدن به کوه‌ها پناه می‌بردیم ولی آنها هم می‌آمدند و ما را بمباران می‌کردند. بالاخره یک کسی حتماً جایی آمار ما را به دشمن می‌داد.

■ ■ ■
دشمن شروع شد؟ از یک ماه قبل از عملیات بمباران هواپیماهای دشمن شروع شد. همین که می‌آمد و شروع به بمباران می‌کرد مشخص بود که دشمن از انجام عملیات توسط ما خبر دارد.

■ ■ ■
شهید حسن باقری در همین بمباران‌ها شهید شدند؟

دشمن با بمباران هوایی و توپخانه‌ای نیروهای که برای شناسایی می‌رفتند را می‌زد. شهید باقری در فاصله کوتاهی نزدیک به عملیات شهید شد. بعد از شهادت ایشان دیگر عملیات شد و همین اتفاق تلخ در بدو شروع عملیات تأثیر خوبی روی چهره سرشناس شهید می‌شدند. دشمن گاهی بمباران هواپیما می‌کوبید و همین کار را برآیمان سخت می‌کرد. در والفجر ۴ هم منطقه را توپ می‌زد که منجر به شهادت تعدادی از فرماندهان شد. در همه عملیات‌ها چنین اتفاقاتی را داشتیم و فرماندهان عالی‌رتبه‌مان در عملیات‌ها به شهادت می‌رسیدند. مثلاً شهید همت در خیبر یا شهید

خرازی در کرپلا ۵ به شهادت رسیدند. در همه عملیات‌ها فرماندهان شاخص‌مان به شهادت می‌رسیدند.

■ ■ ■
با شروع عملیات روند پیشروی نیروها چگونه بود؟

وقتی که خط از طرف لشکر ۸ نجف شکسته شد جناح‌های چپ و راست نتوانستند خط‌شان را بشکنند و به ما ملحق نشوند. بچه‌های نجف نزدیک به ۱۰ کیلومتر راه درست کردند و کنار کانال‌ها خاک‌ریز زدند و به عراقی‌ها چسبیدند.

■ ■ ■
دشمن شروع شد؟ از یک ماه قبل از عملیات بمباران هواپیماهای دشمن شروع شد. همین که می‌آمد و شروع به بمباران می‌کرد مشخص بود که دشمن از انجام عملیات توسط ما خبر دارد.

■ ■ ■
شهید حسن باقری در همین بمباران‌ها شهید شدند؟

دشمن با بمباران هوایی و توپخانه‌ای نیروهای که برای شناسایی می‌رفتند را می‌زد. شهید باقری در فاصله کوتاهی نزدیک به عملیات شهید شد. بعد از شهادت ایشان دیگر عملیات شد و همین اتفاق تلخ در بدو شروع عملیات تأثیر خوبی روی چهره سرشناس شهید می‌شدند. دشمن گاهی بمباران هواپیما می‌کوبید و همین کار را برآیمان سخت می‌کرد. در والفجر ۴ هم منطقه را توپ می‌زد که منجر به شهادت تعدادی از فرماندهان شد. در همه عملیات‌ها چنین اتفاقاتی را داشتیم و فرماندهان عالی‌رتبه‌مان در عملیات‌ها به شهادت می‌رسیدند. مثلاً شهید همت در خیبر یا شهید

■ ■ ■
دشمن می‌آیند و از بالای سرمان عبور می‌کنند. حتی قبل از عملیات هواپیماهای دشمن گردان ما را بمباران کردند. این هواپیماها خیلی راحت در منطقه رفت و آمد می‌کردند. حتی ما برای دیده نشدن به کوه‌ها پناه می‌بردیم ولی آنها هم می‌آمدند و ما را بمباران می‌کردند. بالاخره یک کسی حتماً جایی آمار ما را به دشمن می‌داد.

■ ■ ■
دشمن شروع شد؟ از یک ماه قبل از عملیات بمباران هواپیماهای دشمن شروع شد. همین که می‌آمد و شروع به بمباران می‌کرد مشخص بود که دشمن از انجام عملیات توسط ما خبر دارد.

■ ■ ■
شهید حسن باقری در همین بمباران‌ها شهید شدند؟

دشمن با بمباران هوایی و توپخانه‌ای نیروهای که برای شناسایی می‌رفتند را می‌زد. شهید باقری در فاصله کوتاهی نزدیک به عملیات شهید شد. بعد از شهادت ایشان دیگر عملیات شد و همین اتفاق تلخ در بدو شروع عملیات تأثیر خوبی روی چهره سرشناس شهید می‌شدند. دشمن گاهی بمباران هواپیما می‌کوبید و همین کار را برآیمان سخت می‌کرد. در والفجر ۴ هم منطقه را توپ می‌زد که منجر به شهادت تعدادی از فرماندهان شد. در همه عملیات‌ها چنین اتفاقاتی را داشتیم و فرماندهان عالی‌رتبه‌مان در عملیات‌ها به شهادت می‌رسیدند. مثلاً شهید همت در خیبر یا شهید

■ ■ ■
دشمن می‌آیند و از بالای سرمان عبور می‌کنند. حتی قبل از عملیات هواپیماهای دشمن گردان ما را بمباران کردند. این هواپیماها خیلی راحت در منطقه رفت و آمد می‌کردند. حتی ما برای دیده نشدن به کوه‌ها پناه می‌بردیم ولی آنها هم می‌آمدند و ما را بمباران می‌کردند. بالاخره یک کسی حتماً جایی آمار ما را به دشمن می‌داد.

■ ■ ■
دشمن شروع شد؟ از یک ماه قبل از عملیات بمباران هواپیماهای دشمن شروع شد. همین که می‌آمد و شروع به بمباران می‌کرد مشخص بود که دشمن از انجام عملیات توسط ما خبر دارد.

■ ■ ■
شهید حسن باقری در همین بمباران‌ها شهید شدند؟

دشمن با بمباران هوایی و توپخانه‌ای نیروهای که برای شناسایی می‌رفتند را می‌زد. شهید باقری در فاصله کوتاهی نزدیک به عملیات شهید شد. بعد از شهادت ایشان دیگر عملیات شد و همین اتفاق تلخ در بدو شروع عملیات تأثیر خوبی روی چهره سرشناس شهید می‌شدند. دشمن گاهی بمباران هواپیما می‌کوبید و همین کار را برآیمان سخت می‌کرد. در والفجر ۴ هم منطقه را توپ می‌زد که منجر به شهادت تعدادی از فرماندهان شد. در همه عملیات‌ها چنین اتفاقاتی را داشتیم و فرماندهان عالی‌رتبه‌مان در عملیات‌ها به شهادت می‌رسیدند. مثلاً شهید همت در خیبر یا شهید

■ ■ ■
دشمن می‌آیند و از بالای سرمان عبور می‌کنند. حتی قبل از عملیات هواپیماهای دشمن گردان ما را بمباران کردند. این هواپیماها خیلی راحت در منطقه رفت و آمد می‌کردند. حتی ما برای دیده نشدن به کوه‌ها پناه می‌بردیم ولی آنها هم می‌آمدند و ما را بمباران می‌کردند. بالاخره یک کسی حتماً جایی آمار ما را به دشمن می‌داد.

■ ■ ■
دشمن شروع شد؟ از یک ماه قبل از عملیات بمباران هواپیماهای دشمن شروع شد. همین که می‌آمد و شروع به بمباران می‌کرد مشخص بود که دشمن از انجام عملیات توسط ما خبر دارد.

■ ■ ■
شهید حسن باقری در همین بمباران‌ها شهید شدند؟

دشمن با بمباران هوایی و توپخانه‌ای نیروهای که برای شناسایی می‌رفتند را می‌زد. شهید باقری در فاصله کوتاهی نزدیک به عملیات شهید شد. بعد از شهادت ایشان دیگر عملیات شد و همین اتفاق تلخ در بدو شروع عملیات تأثیر خوبی روی چهره سرشناس شهید می‌شدند. دشمن گاهی بمباران هواپیما می‌کوبید و همین کار را برآیمان سخت می‌کرد. در والفجر ۴ هم منطقه را توپ می‌زد که منجر به شهادت تعدادی از فرماندهان شد. در همه عملیات‌ها چنین اتفاقاتی را داشتیم و فرماندهان عالی‌رتبه‌مان در عملیات‌ها به شهادت می‌رسیدند. مثلاً شهید همت در خیبر یا شهید

وسط عراقی‌ها بودیم و آنها متوجه شدند که ایرانی هستیم و ما را به رگبار بستند. جنگ سختی در گرفته بود و هر کسی می‌توانست تیری شلیک می‌کرد. تعداد زیادی از نیروها شهید و اسیر شدند و در آخر چند بی‌ام‌بی توانست به همه بزند و برود. هر طرفی که زودتر به منطقه می‌رسید شروع به پاک‌سازی می‌کرد. دیگر ما هم بچه‌هایی که می‌توانستیم را برداشتیم و به طرف ایران آمدیم. تقریباً نزدیک ظهر بود که به جاده رسیدیم. در میان نفراتی که برداشته بودیم عراقی‌ها هم بودند. با هم در یک ستون به ایران آمدیم. در پاک‌سازی با فاصله ۲۰، ۱۰ متری به عقب می‌آمدیم.

■ ■ ■
با این آمادگی نیروها اگر الحاق جناحین صورت می‌گرفت، عملیات می‌توانست به اهدافش برسد؟

بله، اگر نیروها به آن منطقه می‌رسیدند آن منطقه کامل سقوط می‌کرد. اگر جاده گرفته می‌شد کل آن منطقه تا پل غزله سقوط می‌کرد و شهر و العماره و جاده استراتژیکی آنجا در خطر می‌افتاد و دیگر دشمن نمی‌توانست در آن منطقه بماند. منطقه مهم و استراتژیکی بود که در صورت موفقیت کلاً از دست دشمن خارج می‌شد. بعد از این عملیات دیگر در آن منطقه عملیات خاصی نکردیم.

■ ■ ■
چه تعداد نیرو و از گردان شما در منطقه شهید و اسیر شدند؟

در پاسگاه وهب که نیروها با هم قاطی شدند درگیر شدیم، هر کسی برای خودش با دشمن می‌جنگید. شاید حدود ۱۰۰ نفر اسیر و ۱۳۰ یا ۱۴۰ نفر شهید شدند که بیکر برخی از شهدا به تازگی تفحص شده‌است. از جمله فرمانده گردانی به نام شهید غلامی داشتیم که قبلاً مسئول اطلاعات بود و شب عملیات به عنوان فرمانده عملیات گردان کار کرد. این شهید بزرگوار هم در برخی مناطق مثل کردستان یا مازندران کاملی از منطقه داشت. همان اول که به جاده رسیدیم پشان شهید شد و بیکرشان در منطقه ماند. آن گردانی که اول رفت و خط را شکست و میادین مین را باز کرد نیز شهدای زیادی داد. بچه‌های بطشکن از گردان نجف شهدای زیادی دادند. این نیروها پل‌هایی درست کرده بودند و روی کانال‌ها که خیلی عمق داشت انداخته بودند تا نیروها از رویشان رد شوند. درگیری خیلی سختی در منطقه بود.

■ ■ ■
بعد از این عملیات رویکرد و استراتژی ما در ادامه جنگ تغییر کرد؟

بعد از این عملیات که با روزهای آخر سال همصاد بود، کمی شرایط در جبهه‌ها سخت شد. دو ماه بعد از عید در منطقه دهلران عملیات کردیم و بعد برای والفجر ۴ به کردستان رفتیم. دوباره به جنوب برگشتیم. دیگر تا آخر جنگ در جنوب بودیم.

■ ■ ■
الفجر مقدماتی برای جبهه‌ها مان چه تجربه‌هایی به همراه داشت؟

بالاخره در هر عملیات تجربه‌هایی به دست می‌آیند. انجام عملیات در منطقه‌رملی تجربه گرانبهایی از این عملیات برایمان بود. تا آن زمان عملیات به این گستردگی نشده بود که در حد سه سپاه وارد عمل شوند و همین خودش یک انسجام خیلی بزرگ در جنگ به شمار می‌رفت. اینها تجربه‌های بزرگی برای این عملیات بودند. از تجربه‌های جنوب قلمشهر و در بین جنگل کردستان رسیدیم. عملیات والفجر یک و والفجر ۴ را به همین صورت با چند سپاه انجام دادیم. وقتی که انسان شکست می‌خورد برای پیروزی‌های بعدی تجربه به دست می‌آورد.

گفت‌وگو



یادواره شهید ساختمان سیخ قائمشهر

خاطراتی از فعالیت ضدانقلاب در قائمشهر در گفت‌وگو با «جوان» با علی‌اکبر خندکدار

ماجرای یک ضدانقلاب خائن در سپاه قائمشهر

■ **علیرضا محمدی**
ماجرای هجوم گروه‌های ضدانقلاب به شهر آمل و درگیری‌هایی که در این شهر و پیرامون آن رخ داد، از وقایع آشنای انقلاب به‌شمار می‌رود. خیلی از ما این واقعه را شنیده‌ایم. اما شاید کمتر کسی بداند که در بروجرد دفاع مقدس، بسیاری از مناطق خطه شمال کشورمان نیز درگیر شیطان‌گر و وهک‌هایی بود که از وضعیت جنگی و کوهستانی منطقه برای مخفی شدن و وارد کردن ضربات به بچه‌های انقلاب استفاده می‌کردند. قائمشهر و جنگل‌های پیرامون آن، یکی از همین نقاط بود که در گفت‌وگو با علی‌اکبر خندکدار از رزمندگان دفاع مقدس، به مرور برخی خاطرات این منطقه در مبارزه با ضدانقلاب می‌پردازیم.

■ **تیربران ۲ محجرب**
یکی از اتفاق‌هایی که بین راه قادی کلا رخ داد در منطقه ما سر صدایی برپا کرد، شهادت دو نفر از بچه‌های رزمنده توسط ضدانقلاب بین راه قادی کلا و قالمشهر بود. مسیر این روستا تا شهر یک رودخانه وجود دارد و روی این رود هم پلی نصب است. بیکار که مینی‌بوس حامل مردم می‌خواست از روی این پل عبور کند، منافقین جلوی آن را می‌گیرند و سر نشینیان را بررسی می‌کنند. متوجه دو جوان با ظاهر مذهبی می‌شوند و می‌فهمند از مجروحان جنگ هستند. آنها ناچو امرادانه هر دو را پیاده می‌کنند و پس از ضرب و شتم، هم در مقابل چشم مردم به رگبار می‌زنند و به شهادت می‌رسند. این دو نفر اگر دهنم یاری کنند نامشان شهید خداپرست و حق‌پناه بود. نظیر این اتفاق‌ها آن روزها در کردستان جنگ‌های پیرامون آن یکی از همین مناطق بود که آنها انتخاب کردند و مدت‌ها در این

■ **روستای قادی کلا**
بعد از شروع جنگ تحمیلی حزب بعث عراق علیه ملت ایران، خیلی از گروه‌های ضدانقلاب از فرصت سوءاستفاده کردند و در برخی مناطق مثل کردستان یا مازندران دست به اقدامات نظامی زدند. از آنجایی که ضدانقلاب برای اقدامات خودش نیاز به مناطق صعب‌العبور داشت، قالمشهر و جنگ‌های پیرامون آن یکی از همین مناطق بود که آنها انتخاب کردند و مدت‌ها در این

■ **خیانت محسن پور**
خیانت فردی نفوذی در نام فرهاد محسن پور هم یکی دیگر از فجایعی است که ضدانقلاب در منطقه ما رقم زد. این فرد اهل روستاهای منطقه بود که خودش را در قالب یک نیروی حزب‌اللهی جا می‌زند و با شهید جعفر نوروزیان فرمانده بسیج آن زمان قالمشهر طرح دوستی می‌ریزد. بعضی از نیروها به مشکوک است و بهتر است مراقب او باشید اما نوروزیان می‌گوید محسن پور آدم مذهبی است و بهتر است کاری کنیم جذب شود تا اینکه زمینه دفعش را فراهم کنیم.

■ **منطقه به ایجاد آشوب و ناامنی پرداختند.**
وضعیت جغرافیایی منطقه ما به این شکل است که وقتی از تهران به سمت قائمشهر می‌آید، ابتدا کوه و جنگل است و سپس به دشت و شهر می‌رسید. در واقع جنوب قائمشهر کوه و جنگل است و همین موضوع دسترسی به این شهر را از مرکز ایران دشوار می‌کند. روستای قادی کلا که در دو یا سه کیلومتری جنوب قالمشهر و در بین جنگل انبوه قرار دارد، از جمله همین مراکز بود که ضد انقلاب خصوصاً منافقین (سازمان مجاهدین) برای فعالیت انتخاب کرده بودند.

■ **منطقه به ایجاد آشوب و ناامنی پرداختند.**
وضعیت جغرافیایی منطقه ما به این شکل است که وقتی از تهران به سمت قائمشهر می‌آید، ابتدا کوه و جنگل است و سپس به دشت و شهر می‌رسید. در واقع جنوب قائمشهر کوه و جنگل است و همین موضوع دسترسی به این شهر را از مرکز ایران دشوار می‌کند. روستای قادی کلا که در دو یا سه کیلومتری جنوب قالمشهر و در بین جنگل انبوه قرار دارد، از جمله همین مراکز بود که ضد انقلاب خصوصاً منافقین (سازمان مجاهدین) برای فعالیت انتخاب کرده بودند.

■ **منطقه به ایجاد آشوب و ناامنی پرداختند.**
وضعیت جغرافیایی منطقه ما به این شکل است که وقتی از تهران به سمت قائمشهر می‌آید، ابتدا کوه و جنگل است و سپس به دشت و شهر می‌رسید. در واقع جنوب قائمشهر کوه و جنگل است و همین موضوع دسترسی به این شهر را از مرکز ایران دشوار می‌کند. روستای قادی کلا که در دو یا سه کیلومتری جنوب قالمشهر و در بین جنگل انبوه قرار دارد، از جمله همین مراکز بود که ضد انقلاب خصوصاً منافقین (سازمان مجاهدین) برای فعالیت انتخاب کرده بودند.

■ **منطقه به ایجاد آشوب و ناامنی پرداختند.**
وضعیت جغرافیایی منطقه ما به این شکل است که وقتی از تهران به سمت قائمشهر می‌آید، ابتدا کوه و جنگل است و سپس به دشت و شهر می‌رسید. در واقع جنوب قائمشهر کوه و جنگل است و همین موضوع دسترسی به این شهر را از مرکز ایران دشوار می‌کند. روستای قادی کلا که در دو یا سه کیلومتری جنوب قالمشهر و در بین جنگل انبوه قرار دارد، از جمله همین مراکز بود که ضد انقلاب خصوصاً منافقین (سازمان مجاهدین) برای فعالیت انتخاب کرده بودند.

■ **منطقه به ایجاد آشوب و ناامنی پرداختند.**
وضعیت جغرافیایی منطقه ما به این شکل است که وقتی از تهران به سمت قائمشهر می‌آید، ابتدا کوه و جنگل است و سپس به دشت و شهر می‌رسید. در واقع جنوب قائمشهر کوه و جنگل است و همین موضوع دسترسی به این شهر را از مرکز ایران دشوار می‌کند. روستای قادی کلا که در دو یا سه کیلومتری جنوب قالمشهر و در بین جنگل انبوه قرار دارد، از جمله همین مراکز بود که ضد انقلاب خصوصاً منافقین (سازمان مجاهدین) برای فعالیت انتخاب کرده بودند.

■ **منطقه به ایجاد آشوب و ناامنی پرداختند.**
وضعیت جغرافیایی منطقه ما به این شکل است که وقتی از تهران به سمت قائمشهر می‌آید، ابتدا کوه و جنگل است و سپس به دشت و شهر می‌رسید. در واقع جنوب قائمشهر کوه و جنگل است و همین موضوع دسترسی به این شهر را از مرکز ایران دشوار می‌کند. روستای قادی کلا که در دو یا سه کیلومتری جنوب قالمشهر و در بین جنگل انبوه قرار دارد، از جمله همین مراکز بود که ضد انقلاب خصوصاً منافقین (سازمان مجاهدین) برای فعالیت انتخاب کرده بودند.

■ **منطقه به ایجاد آشوب و ناامنی پرداختند.**
وضعیت جغرافیایی منطقه ما به این شکل است که وقتی از تهران به سمت قائمشهر می‌آید، ابتدا کوه و جنگل است و سپس به دشت و شهر می‌رسید. در واقع جنوب قائمشهر کوه و جنگل است و همین موضوع دسترسی به این شهر را از مرکز ایران دشوار می‌کند. روستای قادی کلا که در دو یا سه کیلومتری جنوب قالمشهر و در بین جنگل انبوه قرار دارد، از جمله همین مراکز بود که ضد انقلاب خصوصاً منافقین (سازمان مجاهدین) برای فعالیت انتخاب کرده بودند.

■ **منطقه به ایجاد آشوب و ناامنی پرداختند.**
وضعیت جغرافیایی منطقه ما به این شکل است که وقتی از تهران به سمت قائمشهر می‌آید، ابتدا کوه و جنگل است و سپس به دشت و شهر می‌رسید. در واقع جنوب قائمشهر کوه و جنگل است و همین موضوع دسترسی به این شهر را از مرکز ایران دشوار می‌کند. روستای قادی کلا که در دو یا سه کیلومتری جنوب قالمشهر و در بین جنگل انبوه قرار دارد، از جمله همین مراکز بود که ضد انقلاب خصوصاً منافقین (سازمان مجاهدین) برای فعالیت انتخاب کرده بودند.

■ **منطقه به ایجاد آشوب و ناامنی پرداختند.**
وضعیت جغرافیایی منطقه ما به این شکل است که وقتی از تهران به سمت قائمشهر می‌آید، ابتدا کوه و جنگل است و سپس به دشت و شهر می‌رسید. در واقع جنوب قائمشهر کوه و جنگل است و همین موضوع دسترسی به این شهر را از مرکز ایران دشوار می‌کند. روستای قادی کلا که در دو یا سه کیلومتری جنوب قالمشهر و در بین جنگل انبوه قرار دارد، از جمله همین مراکز بود که ضد انقلاب خصوصاً منافقین (سازمان مجاهدین) برای فعالیت انتخاب کرده بودند.

■ **منطقه به ایجاد آشوب و ناامنی پرداختند.**
وضعیت جغرافیایی منطقه ما به این شکل است که وقتی از تهران به سمت قائمشهر می‌آید، ابتدا کوه و جنگل است و سپس به دشت و شهر می‌رسید. در واقع جنوب قائمشهر کوه و جنگل است و همین موضوع دسترسی به این شهر را از مرکز ایران دشوار می‌کند. روستای قادی کلا که در دو یا سه کیلومتری جنوب قالمشهر و در بین جنگل انبوه قرار دارد، از جمله همین مراکز بود که ضد انقلاب خصوصاً منافقین (سازمان مجاهدین) برای فعالیت انتخاب کرده بودند.

■ **منطقه به ایجاد آشوب و ناامنی پرداختند.**
وضعیت جغرافیایی منطقه ما به این شکل است که وقتی از تهران به سمت قائمشهر می‌آید، ابتدا کوه و جنگل است و سپس به دشت و شهر می‌رسید. در واقع جنوب قائمشهر کوه و جنگل است و همین موضوع دسترسی به این شهر را از مرکز ایران دشوار می‌کند. روستای قادی کلا که در دو یا سه کیلومتری جنوب قالمشهر و در بین جنگل انبوه قرار دارد، از جمله همین مراکز بود که ضد انقلاب خصوصاً منافقین (سازمان مجاهدین) برای فعالیت انتخاب کرده بودند.

■ **منطقه به ایجاد آشوب و ناامنی پرداختند.**
وضعیت جغرافیایی منطقه ما به این شکل است که وقتی از تهران به سمت قائمشهر می‌آید، ابتدا کوه و جنگل است و سپس به دشت و شهر می‌رسید. در واقع جنوب قائمشهر کوه و جنگل است و همین موضوع دسترسی به این شهر را از مرکز ایران دشوار می‌کند. روستای قادی کلا که در دو یا سه کیلومتری جنوب قالمشهر و در بین جنگل انبوه قرار دارد، از جمله همین مراکز بود که ضد انقلاب خصوصاً منافقین (سازمان مجاهدین) برای فعالیت انتخاب کرده بودند.

■ **منطقه به ایجاد آشوب و ناامنی پرداختند.**
وضعیت جغرافیایی منطقه ما به این شکل است که وقتی از تهران به سمت قائمشهر می‌آید، ابتدا کوه و جنگل است و سپس به دشت و شهر می‌رسید. در واقع جنوب قائمشهر کوه و جنگل است و همین موضوع دسترسی به این شهر را از مرکز ایران دشوار می‌کند. روستای قادی کلا که در دو یا سه کیلومتری جنوب قالمشهر و در بین جنگل انبوه قرار دارد، از جمله همین مراکز بود که ضد انقلاب خصوصاً منافقین (سازمان مجاهدین) برای فعالیت انتخاب کرده بودند.

■ **منطقه به ایجاد آشوب و ناامنی پرداختند.**
وضعیت جغرافیایی منطقه ما به این شکل است که وقتی از تهران به سمت قائمشهر می‌آید، ابتدا کوه و جنگل است و سپس به دشت و شهر می‌رسید. در واقع جنوب قائمشهر کوه و جنگل است و همین موضوع دسترسی به این شهر را از مرکز ایران دشوار می‌کند. روستای قادی کلا که در دو یا سه کیلومتری جنوب قالمشهر و در بین جنگل انبوه قرار دارد، از جمله همین مراکز بود که ضد انقلاب خصوصاً منافقین (سازمان مجاهدین) برای فعالیت انتخاب کرده بودند.

■ **منطقه به ایجاد آشوب و ناامنی پرداختند.**
وضعیت جغرافیایی منطقه ما به این شکل است که وقتی از تهران به سمت قائمشهر می‌آید، ابتدا کوه و جنگل است و سپس به دشت و شهر می‌رسید. در واقع جنوب قائمشهر کوه و جنگل است و همین موضوع دسترسی به این شهر را از مرکز ایران دشوار می‌کند. روستای قادی کلا که در دو یا سه کیلومتری جنوب قالمشهر و در بین جنگل انبوه قرار دارد، از جمله همین مراکز بود که ضد انقلاب خصوصاً منافقین (سازمان مجاهدین) برای فعالیت انتخاب کرده بودند.

■ **منطقه به ایجاد آشوب و ناامنی پرداختند.**
وضعیت جغرافیایی منطقه ما به این شکل است که وقتی از تهران به سمت قائمشهر می‌آید، ابتدا کوه و جنگل است و سپس به دشت و شهر می‌رسید. در واقع جنوب قائمشهر کوه و جنگل است و همین موضوع دسترسی به این شهر را از مرکز ایران دشوار می‌کند. روستای قادی کلا که در دو یا سه کیلومتری جنوب قالمشهر و در بین جنگل انبوه قرار دارد، از جمله همین مراکز بود که ضد انقلاب خصوصاً منافقین (سازمان مجاهدین) برای فعالیت انتخاب کرده بودند.

■ **منطقه به ایجاد آشوب و ناامنی پرداختند.**
وضعیت جغرافیایی منطقه ما به این شکل است که وقتی از تهران به سمت قائمشهر می‌آید، ابتدا کوه و جنگل است و سپس به دشت و شهر می‌رسید. در واقع جنوب قائمشهر کوه و جنگل است و همین موضوع دسترسی به این شهر را از مرکز ایران دشوار می‌کند. روستای قادی کلا که در دو یا سه کیلومتری جنوب قالمشهر و در بین جنگل انبوه قرار دارد، از جمله همین مراکز بود که ضد انقلاب خصوصاً منافقین (سازمان مجاهدین) برای فعالیت انتخاب کرده بودند.

■ **منطقه به ایجاد آشوب و ناامنی پرداختند.**
وضعیت جغرافیایی منطقه ما به این شکل است که وقتی از تهران به سمت قائمشهر می‌آید، ابتدا کوه و جنگل است و سپس به دشت و شهر می‌رسید. در واقع جنوب قائمشهر کوه و جنگل است و همین موضوع دسترسی به این شهر را از مرکز ایران دشوار می‌کند. روستای قادی کلا که در دو یا سه کیلومتری جنوب قالمشهر و در بین جنگل انبوه قرار دارد، از جمله همین مراکز بود که ضد انقلاب خصوصاً منافقین (سازمان مجاهدین) برای فعالیت انتخاب کرده بودند.

■ **منطقه به ایجاد آشوب و ناامنی پرداختند.**
وضعیت جغرافیایی منطقه ما به این شکل است که وقتی از تهران به سمت قائمشهر می‌آید، ابتدا کوه و جنگل است و سپس به دشت و شهر می‌رسید. در واقع جنوب قائمشهر کوه و جنگل است و همین موضوع دسترسی به این شهر را از مرکز ایران دشوار می‌کند. روستای قادی کلا که در دو یا سه کیلومتری جنوب قالمشهر و در بین جنگل انبوه قرار دارد، از جمله همین مراکز بود که ضد انقلاب خصوصاً منافقین (سازمان مجاهدین) برای فعالیت انتخاب کرده بودند.

■ **منطقه به ایجاد آشوب و ناامنی پرداختند.**
وضعیت جغرافیایی منطقه ما به این شکل است که وقتی از تهران به سمت قائمشهر می‌آید، ابتدا کوه و جنگل است و سپس به دشت و شهر می‌رسید. در واقع جنوب قائمشهر کوه و جنگل است و همین موضوع دسترسی به